

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۰۸ رده بندی کنفرانس: ب ۵۶/۷۷۰

آثار منفی و مخرب اجرای مجازات ها به صورت علنی و تبعات خاص آن در جامعه

ایمان وطن دوست

حقوقدان، پژوهشگر و مولف کتب حقوقی

چکیده

اجرای علنی مجازات می تواند اثرات منفی متعددی داشته باشد. هدف اصلی در این مقاله بررسی تبعات منفی اجرای علنی مجازات در جامعه است. به عقیده نگارنده اجرای مجازات به صورت علنی تبعات بسیار منفی و مخربی خواهد داشت. علنی اجرا کردن مجازات (به ویژه مجازات های بدنی) می تواند کرامت انسانی فرد را زیر پا بگذارد و او را به عنوان یک موجود پست و بی ارزش جلوه دهد. این امر با اصل احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی که در بسیاری از نظام های حقوقی مدرن پذیرفته شده است، در تضاد است. در نتیجه گیری این پژوهش فهمیدیم اثرات اجرای علنی مجازات می تواند به تضعیف کرامت انسانی، افزایش خشونت در جامعه، و ایجاد حس انتقام جویی اشاره کرد. همچنین، این نوع مجازات ممکن است تأثیر منفی بر خانواده و اطرافیان فرد مجرم داشته باشد و به طور کلی، با اهداف بازپروری و اصلاح مجرم در تضاد باشد. با توجه به اهمیت این موضوع در مقاله حاضر به بررسی آثار منفی و مخرب اجرای مجازات ها به صورت علنی و تبعات خاص آن در جامعه می پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات است.

واژگان کلیدی: مجازات، مجرم، مجازات علنی، مکافات، هتک حرمت، کرامت انسانی



بخش اول: بررسی و شناخت مجازات و مکافات مجرم

وجود سوء نیت و خطا برای آنکه جرمی واقع شود و قابل مجازات باشد ضروری است، به همین علت است که برای تحقق جرم علاوه بر دو عنصر قانونی و مادی وجود عنصر روانی ضروری تشخیص داده شده است، در مطالعه گذرا در حقوق فرانسه به اصلی بر می خوریم که «مجازات بدون تقصیر ممکن نیست» نامیده شده است. همانطور که می دانیم توجه به عنصر روانی اولین بار بوسیله مکتب کلاسیک و تحت تأثیر عقاید مکتب عدالت مطلق مطرح و در حقوق فرانسه مورد قبول واقع شد بر مبنای عقیده این دو مکتب است که امروزه مجازات مجرمین با امان نظر به سوء نیت و خطائی که مرتکب شده اند، از نظر اخلاقی توجیه می شود، بر پایه همین استدلال چون مجرم مرتکب خطا و تقصیر شده است با مجازات و مکافات او بدون در نظر گرفتن اینکه حربه ای برای جلوگیری از جرم یا اصلاح او باشد یا خیر از نظر اخلاقی ضروری و صحیح به نظر می رسد.^۱ امانوئل کانت از پایه گذاران نظریه مکافات عمل، در توجیه بعد اخلاقی این نظر می گوید: «مجرم کسی است که یکی از دستورهای اخلاقی حاکم بر جامعه را نادیده می گیرد و با اقدام خود نظم اخلاقی را در جامعه مورد حمله قرار می دهد، بنابراین کیفر دادن او برای ایجاد نظم اخلاقی در جامعه ضروری است چرا که مجرم با عملکرد خود موجبات تحمیل کیفر را فراهم می سازد، بنابراین هدف مکافات، صرف نظر از اینکه با سایر اهداف مجازات هماهنگی و سنخیت داشته باشد یا نه، از نظر اخلاقی و نظم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.» در سالهای اخیر هدف مکافات که بیشتر جنبه انتقام جوئی مکافات دادن را بدون امان نظر به تمامیت حیات اجتماعی مورد نظر قرار داده است به شدت مورد حمله و انتقاد حقوقدانان و جامعه شناسان قرار گرفته است. منتقدین در توجیه نظر خود معتقدند: وقوع جرم معلول عواملی است که قبل از بوجود آمدن و رشد فیزیکی و جسمانی مجرم در جامعه ظهور داشته است و این عوامل از کنترل

۱. اصول حاکم بر مجازاتها، تقی زاده، ابراهیم، ۱۳۷۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۱.



و توان فرد بالاخص مجرم خارج است بنابراین اوضاع و احوال اجتماعی که مجرم در آن به حیات می پردازد طوری است که مسئولیت شخصی مجرم را منتفی می سازد و نمی توان مجرم را به دلیل ارتکاب جرم مسئول شناخت، در انتقاد به این نظریه انسان فردی مجبور تلقی شده که جبر موجود در حیات اجتماعی او را در گرداب حوادث غوطه ور می سازد از طرف دیگر عمل مجرمانه ای که از سوی مجرمین صورت می گیرد تنبیه و مجازاتی نخواهد داشت چرا که جبر جامعه افراد را به سوی جرم رهنمون می سازد و انسان مسئولیتی ندارد اما در عمل می بینیم که هر روزه قوانین مختلف و سیستم های قضایی متفاوت شکل می گیرد تا از وقوع جرم جلوگیری کند تا در نتیجه جامعه جهانی با آرامش قابل اطمینان به حیات خود ادامه دهد.

بخش دوم: اهداف کیفر و مجازات برای مجرم

برنامه تربیتی اسلام برای رهایی انسانیت از گمراهی، فساد و تباهی پی ریزی شده است و قبل از هرچیز به تزکیه نفوس و تربیت انسان پرداخته و به انسان صلاح تقوا و عبادت را هدیه داده است تا ریشه مفاسدی همچون خودپسندی، حب ذات، غرور توسط این خلیفه الهی خشکانده شود و راه سعادت و کمال به روی وی باز گردد. از سوی دیگر اصلاح محیط را مدنظر قرار می دهد و ادوات و آلات جرم و جنایت و فساد مانند ناعدالتیها، قمار خانه و سایر مراکز فساد و فحشا را به طور کامل از صفحه اجتماع محو کند تا زمینه رشد و تعالی انسان ها فراهم آید و زمینه جرم و جنایت به کلی ریشه کن شود. اهداف نظام جزایی در اسلام متعدد است که مهمترینشان عبارتند از: اجرای عدالت، حراست از ارزشها، پاسداری از حقوق افراد و احترام به آزادی آنان، تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی، پیشگیری از ارتکاب جرم، تهذیب نفوس و اصلاح افراد جامعه، ارباب دیگران، تطهیر و آمرزش گناهان، کفاره ذنوب و حفظ گناهکار از عذاب آخرت و



بند اول: تأمین عدالت و امنیت اجتماعی

گرایش به عدالت و تلاش در جهت استقرار نظم و امنیت در ابعاد فردی و اجتماعی از اصول زیربنایی نظام حقوقی اسلام می باشد. بر این اساس می توان گفت که مجازات از دیدگاه اسلام در راستای تأمین عدالت کیفری تشریح شده و این عدالت در قصاص کاملاً محسوس و قابل درک است، چرا که نظام اجتماعی و نیاز فطری و ذاتی انسان اقتضاء می کند که جانی را بوسیله اجرای قصاص از تکرار اعمال مشابه و همچنین مجنی علیه یا وابستگان و اطرافیان وی را از انتقام گیری های جاهلانه و متعصبانه باز داشته و امنیت و آرامش را به جامعه باز گردانیم.^۱ و در اجتماعی که عدالت حکم فرما نباشد، آن اجتماع بزودی از هم پاشیده خواهد شد: «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» بنابراین عدالت حکم می کند که از طرفی خادمین و نیکوکاران مورد تشویق قرار بگیرند و مجرمین و بدکاران تنبیه شوند، و از طرف دیگر مجازات هر یک از مجرمین را نیز متناسب با جرم او در نظر گرفته و او را به نسبت اهمیت خطایش تنبیه می کنیم.^۲ و این توجه به آن بخش از کیفرهای اسلامی دارد که مبارزه با معصیت و گناه است در حالی که شخصیت بزهکار مورد توجه قرار می گیرد حمایت از جامعه انسانی است و در جرائمی منظور می شود که حیات اجتماع را با خطر مواجه سازد و مرتبط با مصالح جمع باشد، مانند حد، قصاص، دیه که با توجه به جرائم مختلف تعیین شده است.

بند دوم: تربیت بزهکار

اصلاح مجرمین به وسیله تهذیب نفوس و دوری جستن از گناه از طریق عفو توبه گناهکار بیانگر گذشت، رأفت و انسان سازی، تعالیم اسلامی است، چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: «پس هر

^۱. «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» سوره بقره، آیه ۱۷۹.

^۲. کیفرشناسی، جاوید، صلاحی، زمستان ۱۳۵۲، تهران، انتشارات آرش، چاپ اول، صص ۸ و ۹.



که بعد از ستمی که کرد توبه کرده و کار خود را اصلاح نمود از آن پس خدا او را خواهد بخشید، که خداوند بخشنده مهربان است».^۱

شیخ محمود شلتوت در کتاب «القصاص» خود در همین رابطه می‌گوید «هدف شریعت از نظام کیفری بطور مسلم، اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جانب سعادت، جوامع بشری است و با این هدف راه سالمی را مفید تشخیص داده در پیش گرفته و در سوق دادن مردم به آن از هیچگونه کوششی فروگذار نکرده است.» با توجه به این مراتب، کاملاً واضح می‌شود که شریعت در وضع مقررات کیفری و اجرای آنها به آن اندازه حریص است که مصلحت ایجاب می‌کند و زمانی که شبهه ای بوجود آمد و با مصلحت مورد نظر تعارض پیدا کرد و یا تشخیص داده شد که عفو و گذشت به صلاح و تربیت او نزدیکتر است، می‌توان از اجرای مقررات کیفری یا ادامه اقدامات کیفری اعمال شده صرف نظر نماید، چون هدف شریعت اسلام از تعیین کیفرها حفظ مصلحت جامعه است».^۲ در نظام کیفری اسلام جهت تحقق بخشیدن به این هدف مهم یعنی اصلاح بزهکار، شرایط و موانعی لحاظ شده تا از اجرای کیفرها حتی الامکان خودداری شود بعنوان مثال قیود و شرایطی در نظر گرفته شده که جرائم به راحتی قابل اثبات نباشد و بالاخره هنگامی که از کیفرها به عنوان آخرین ابزار مبارزه علیه بزهکاری استفاده می‌شود، اصلاح و نوسازی مجدد بزهکار جهت بازگشت به زندگی عادی مدّ نظر قرار گرفته است.^۳

بند سوم: ارباب و پیشگیری

جامعه اسلامی با مجازات بزهکاران احتمالی که زمینه ی استعداد ارتکاب جرم را دارند، هشدار می‌دهد که از ارتکاب جرم منصرف شوند، زیرا حتمیت و قطعیت مجازات ها در حقوق اسلام ایجاد هراس می‌کند، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان

^۱. قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۹.

^۲. القصاص، شلتوت، شیخ محمود، ۱۳۶۱، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۱، ص ۸۸.

^۳. باید توجه داشت که نمی‌توان برای برخی از کیفرها، چون اعدام، هدف «اصلاح و تربیت بزهکار» را در نظر گرفت.



عاقبه المجرمین»^۱ یعنی «ای رسول ما، این کافران را بگو در زمین سیر کنید تا بنگرید که عاقبت حال بدکاران چگونه بوده است.» مقصود از جنبه ارعایی مجازات‌های اسلامی این است که با اعمال کیفرها، از یک سو بزهکاران احتمالی نیز مرعوب شده و دیگر به سوی ارتکاب جرم روی نیاورند. از دیدگاه اسلام که هدف اصلی خود را تربیت انسان و تعالی روحی او می‌داند، باز داشتن او از سقوط و انحطاط اخلاقی، در رأس برنامه‌های تربیتی قرار دارد و بخش زیادی از تعلیم اخلاقی و احکام شرعی این امر مهم اختصاص یافته است. از دیدگاه اسلام، انسان باید به سطحی از بینش و اعتقاد قلبی برسد که نه تنها از ارتکاب جرم خودداری نماید، بلکه از آن نیز متنفر و گریزان باشد. در شریعت اسلام امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد و کیفر، به عنوان آخرین ابزار بازدارنده محسوب می‌شود. فقها در بحث اهداف کیفرها به زاجر و رادع بودن آنها اشاره نموده‌اند. ابن‌الهام حنفی معتقد است که باید مجازات‌ها بتوان بازدارندگی داشته باشد، یعنی آگاهی پیدا کردن به آنها، انسان را از مبادرت به گناه باز دارد و دانستن آن بعد از ارتکاب گناه از بازگشت مجدد جلوگیری کند.^۲

بخش سوم: مقتضیات زمان در راستای اجرای علنی مجازات‌ها

مقتضیات زمان؛ به معنای حاجت‌های زمان است. انسان برای رسیدن به هدف‌های واقعی که هر زمان باید داشته باشد، احتیاج به اموری دارد که آن امور احتیاجات دوم بشر است؛ یعنی یک سلسله احتیاجات ثابت دارد و از این احتیاجات، احتیاجات دیگر بر می‌خیزد. انسان برای این احتیاجات دیگر خود، دنبال وسیله می‌گردد. این وسیله‌ها همیشه در حال تغییر و غالباً رو به تکامل است. تغییراتی که اجتماع بشر از این نظر پیدا می‌کند، تقاضای زمان به معنای حاجت‌های زمان را تغییر می‌دهد.^۳

۱. سوره نمل، آیه ۶۹.

۲. حقوق جزای عمومی، شامبیاتی، هوشنگ، پاییز ۷۵، انتشارات ویستار، ج ۲، چاپ هشتم، ص ۳۰۲.

۳. اسلام و مقتضیات زمان، مطهری، مرتضی، اسفند ۱۳۷۷، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۲.



زمان به پیش می رود و قهراً مقتضیات زمان، مسائل جدیدی را در زندگی انسان پدید می آورد. در نتیجه مصالح مردم به موازات تحولات اجتماعی و تبدیل پدیده های آن، بعضاً تغییر می یابند و اگر مصالح مردم را مبنای وضع قوانین اجتماعی بدانیم، تحول احکام شرعی را بر وفق تحول زمان باید لازم و معقول دانست. با وجود این، برخی از فقها هیچ نقشی برای زمان و مکان قایل نیستند. یکی از طرفداران این نظریه ضمن بیان غیر قابل تغییر بودن قوانین اسلام اظهار می دارد: اگر قانونی در زمانی ناموجه و نامفهوم بنماید نه به دلیل نامطلوب بودن آن قانون، بلکه به دلیل عدم بلوغ فکری و نقصان رشد انسان است، بنابراین احکام الهی فراتر از زمان و مکان می باشند.^۱ در فقه، فقها احکام را به چند دسته تقسیم کرده اند: احکام عبادی، احکام معاملی و سیاسی، فرقی که فقه سیاسی را از فقه عبادی و معاملاتی جدا می کند. این است که احکام عبادی امور ثابتی هستند که نفس عمل به آنها دارای مصلحت بوده و ترک آنها دارای مصلحت بوده و ترک آنها دارای مفسده می باشد. فقه معاملاتی هم شرایط خاص خود را دارد و آثار شرعیه ای بر قراردادهای عقود و ایقاعات مترتب می شود که اگر برخلاف قراردادهای و اصول و ضوابطی که در فقه، بر ایقاعات تعیین شده است عمل بشود آن آثار مطلوب بر آنها مترتب نخواهد بود و همچنین در مسائل مربوط به احوال شخصیه از قبیل مسائل نکاح و ارث، اما مسائل سیاسی، مسائلی هستند که شارع مقدس تصمیم درباره آنها را به نظر حاکم اسلامی واگذار نموده است... تا بر اساس مصالح و سیاستهای موجود عمل نماید. و در نظر این گونه مسائل نمی توان حاکم را از عمل به مصلحت هایی که تشخیص می دهد، منع کرد؛ بلکه مکلف است به سیاست هایی که تشخیص می دهد عمل کند.^۲

روایات زیادی دلالت بر این دارند که احکام شرع از نظر امامان معصوم (ع) نیز همیشه ثابت نبوده اند، و ایشان به مقتضای زمان احکام را تغییر می‌دادند، البته این نوع تغییرات از آن جهت

^۱ تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، دهمقان، حمید، پاییز ۱۳۷۶، چاپ اول، قم، انتشارات مدین، ص ۷۵.

۲. متن سخنرانی نشست اجرای علنی کفر، مرعشی، محمد حسن، ۱۳۸۰، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، ص ۴.



نبوده که آنان می‌خواستند در احکام ثابت اسلام (العیاذ بالله) دخل و تصرف نمایند، بلکه آنان می‌دانستند که حکم الهی حکم ثابتی نیست و حکمی است مربوط به زمان خاصی که چنانچه در زمان دیگری مقتضی آن وجود نداشته باشد باید متغیر گردد^۱. بنابراین، مجتهد نه تنها باید سند روایت و دلالت آن را مورد بحث قرار دهد و از وجود معارض، فحص و جستجو کند، بلکه لازم است که فرق بین احکام ثابت و متغیر را بداند؛ یعنی آگاهی داشته باشد که چه حکمی متغیر است.^۲ کیفر جرائم جهت مصالحی وضع و تشریح شده اند و مصالح نیز عموماً برای افراد بشر و جامعه است، در حالیکه می‌دانیم مصالح انسانها غالباً متغیر هستند، به طوری که این مسأله از بدیهیات و واضحات به شمار می‌آید زیرا بشر با گذشت زمان، مصالح جدیدی پیدا می‌کند و مصالح گذشته برای شرایط جدید وی ناکار آمد و کهنه تلقی خواهد شد. و در جواب افرادی که با تمسک به حدیث «حلال محمد حلال ابدی تا روز قیامت است و حرام ایشان حرام ابدی تا روز قیامت می‌باشد.» معتقد به ثبات احکام هستند باید گفت که این حدیث فقط ناظر به احکام عبادات است نه احکام معاملاتی و سیاسی، که پویایی و تحول از ویژگیهای بارز آنهاست. در قرآن نیز در مورد زنا، مجازات آن ابتدا حبس در خانه بوده است^۳ سپس با صدور حکم جلد حکم قبلی تغییر پیدا کرد^۴. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بگونه ای به تأثیر زمان و مکان بر قوانین دلالت دارد. به عنوان مثال در بند از اصل ۹۱ آمده است: شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز برای شورای نگهبان انتخاب می‌شوند و همینطور اصل یکصد و دوازده قانون اساسی بیان نموده: مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده

^۱ دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، مرعشی، محمد حسن، زمستان ۷۳، چاپ اول، نشر میزان، ص ۳۹.

^۲ همان.

^۳ سوره نسا، آیه ۷۹.

^۴ سوره نور آیه ۲.



است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. البته اصل ۵ و ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی نیز به نوعی تغییرات حاصل از شرایط زمانی و مکانی را پذیرفته اند. امام خمینی(ره) در خصوص تغییرات و مصلحت حکومت با توجه به زمان و مکان می فرماید: حکومت که شعبه ای از ولایت فقیه مطلقه رسول خدا است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی می‌تواند مسجدی را خراب کند یا در موقع لزوم تعطیل کند حکومت می‌تواند هر امری را که جریان اسلام مخالف آن است از آن جلوگیری کند...^۱

بخش چهارم: آثار منفی اجرای مجازات به صورت علنی

مخالفین اجرای علنی مجازات بر این اعتقادند که اجرای علنی نه تنها باعث تنبیه مجرم و جامعه نمی‌شود بلکه نتایج عکس نیز در پی دارد، این گروه بر این باورند که مجازات در انظار عموم عواقب و آثار منفی در سطح فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت.

بند اول: غفلت از ریشه یابی بزهکاری

طبق اصول علمی مخصوصاً روان شناسی به اثبات رسیده است هیچ کس مطلقاً فاعل مختار نیست، بر آدمی ضمی نا آگاهی حکمت دارد نفس عماره ای که با اصطلاح حافظ در اندرون هر کس در فغان و در غوغاست، فرمان می‌دهد، وقتی در شرایط مساعد زمانی و مکانی در اثر انگیزه های خشم، غضب، حرص، کینه، انتقام، قصد نفع جاه طلبی و عوامل متعدد دیگر فرد برانگیخته شود اگر احياناً دچار ضعف جسمی و نادانی و جهالت و بی اعتقادی هم باشد قهراً کنترل خود را از دست داده مرتکب خیانت می‌شود همانطور که نمی‌توان یک بیمار سرطانی را اعدام نمود همینطور هم نمی‌توان یک بیمار واقعی را اعدام کرد.^۲ جلوگیری از ارتکاب جرم همواره صرفاً با مجازات ممکن نبوده و مادامی که عوامل و زمینه ساز جرم در جامعه باقی باشد، اجرا و تشدید

^۱. صحیفه امام، موسوی خمینی، روح الله، ۴۵۲/۲۰.

^۲. تعدیل کیفر اعدام، هومن، احمد، ۱۳۸۰، مجله حقوق مردم، ص ۱۶.



مجازات‌های علنی به منظور عبرت‌گیری و ارعاب عمومی‌کاری عبث خواهد بود و سهل‌ترین
 طریقه جلوگیری و کاهش جرم، از بین بردن زمینه‌های پیدایش وقوع جرم بزه است. بطور یقین
 پرهیز از بزه و موارد ممنوعه در اجتماع تنها در شرایطی ممکن و میسر است که اکثر نیازهای
 اولیه و منطقی مردم جامعه فراهم باشد وگرنه در شرایط که حوائج و نیازهای مردم برآورده نباشد،
 پیشگیری از جرم و مجازات‌های علنی معقول و منطقی نبوده و حتی ناممکن می‌باشد چرا که
 در روایات ذیل نیز برخورد حضرت امیر(ع) با شخص بزهکار بیانگر این مطلب بوده و الگویی
 برای ما می‌تواند باشد. طلحه بن زید از ابی عبدالله(ع) نقل می‌کند «شخصی را به اتهام استمناء
 نزد حضرت امیر علیه السلام آوردند، آن حضرت ضربه‌ای به دست او زد تا دستش سرخ شد،
 سپس از بیت المال شرایط ازدواج وی را فراهم نمود».^۱ از روایت فوق مشهود است که اسلام
 هدف اصلی از مجازات فرد خاطی، اصلاح وی است. در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی آمده
 است که یکی از وظایف قوه قضائیه «اقدام مناسب، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»
 می‌باشد. با وجود اینکه قانون اساسی جلوگیری از وقوع بزه را از وظایف قوه قضائیه ذکر نموده،
 لیکن با مذاقه و موشکافی عوامل مختلف بزه و زمینه‌های بروز آن به این نکته پی می‌بریم که
 صرف پرداختن مبارزه با جرم و مجرم که اقدامات قوه قضائیه در این زمینه است، راه به جایی
 نبرده و می‌بایست علل دیگر از جمله معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ناهنجاری‌های
 خانوادگی، ضعف تقوا و مبانی اعتقادی جوانان، فقر، بیکاری، طلاق والدین و... که در محدوده
 وظایف قوه مجریه و مراجع فرهنگی است، برطرف گردد. بطور مثال فقر مادی اگر چه عامل
 اصلی سرقت نیست لیکن محرک بسیار قوی برای بزه سرقت در افراد سست ایمان می‌باشد.
 چنانچه پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «الفقر کاد عن یكون کفراً» و یا در جامعه‌ای که جوانان
 در کنار شهوت جنسی از فقر و بیکاری رنج می‌برند و ازدواج نیز به دلایل اقتصادی از جمله فقر
 و بیکاری ناممکن باشد طبیعی است که آمار جرائم جنسی بالا خواهد رفت. در کنار مطالب فوق
 که تأکید بر توجه به عوامل زمینه‌ساز جرم دارد، نباید صرفاً دلیل بروز بزه را عوامل اجتماعی

۱. حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ص ۵۷۴.



دانست و از مسئولیت و اراده مجرم غفلت ورزید. چرا که با فرض این عقیده می‌بایست تمامی فقرا را مجرم دانسته و ثروتمندان جامعه را عاری از هرگونه بزه و خطا بدانیم. در حالیکه افراد زیادی با وجود فقر شدید مرتکب سرقت نشده و ثروتمندانی نیز هستند که به طمع ثروت بیشتر دست به سرقت‌های کلان زده‌اند. آنهایی که معتقدند جرم را تنها می‌توان از طریق مبارزه با عوامل زمینه ساز جرم از بین برد، همانند مأمور آتش نشانی هستند که از خاموش نمودن آتش به این بهانه که موثرترین راه برای کاستن تعداد آتش سوزی‌ها از بین بردن علت حریق است، خودداری می‌کند.^۱ در نتیجه هر دو اعتقاد محل تأمل بوده چرا که ثابت شده نه اجرای مجازات‌های شدید علنی و گسترده (اعدام، رجم، شلاق و...) در دراز مدت باعث کاهش جرم شده و نه عدم اجرای علنی موجب محقق شدن این آرمان گردیده است. لذا لحاظ مصالح در مجازات و زدودن زمینه‌های جرم و سعی در اصلاح مجرمان و بازگشت آنها به اجتماع می‌بایست در نظر حاکمان بوده و قضات نیز عوامل مختلف، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را که زمینه ساز وقوع جرم بوده درصد آراء خود مورد توجه قرار دهند.

بند دوم: از بین بردن زمینه اصلاح بزهکار و ایجاد حس انتقام

وظیفه اصلاح یا وارد کردن مجدد مجرم به جامعه ابتدا از طرف پیروان دکتترین دفاع اجتماعی جدید مطرح گردید و در پی آن اصلاح و بازسازی مجرم در سیاست کیفری کشورهایی که دارای نظام حقوقی پیشرفته‌ای هستند، مهمترین هدف مجازات‌های قلمداد گردید. اساس فلسفه اسلام و روح تمدن کهن ایرانی و اندیشه بزرگان و سخنوران ایرانی مبتنی بر اندیشه اصلاح و تربیت مجدد مجرم است که سخت موضوع محافل کنونی بین المللی جرم‌شناسی اجتماعی است.^۲ در تعالیم اسلام حتی توبه افراد، به عنوان فرصتی جهت بازگشت دوباره گنهکار و مجرم به جامعه، در مقابل آشکار کردن و اقرار کردن به آن ترجیح دارد. امروزه نیز جرم‌شناسان به این مطلب

۱. همان ص ۶۲.

۲. جرم‌شناسی، علومی، رضا، ۱۳۴۹، تهران، انتشارات اقبال، ص ۲۹۸.



اذعان دارند که، مجازاتی که از هدف اصلاح مجرمان غافل باشد کاری عبث و غیر انسانی خواهد بود. حال با توجه به این مطلب، این سؤال پیش می‌آید که در صورت اجرای مجازات در علن آیا این امر زمینه اصلاح و بازسازی بزهکار را از بین نخواهد برد؟ و آیا اجرای کیفر در منظر عموم، بزهکار را جری‌تر و گستاخ‌تر از قبل نخواهد کرد؟ دستگاه قضایی مکلف است، حقوق محکوم را هم همانگونه که حقوق متهم را لحاظ می‌کند، در نظر بگیرد. اجرای علنی مجازات آیا با حقوق محکوم منافات ندارد؟ وقتی ما مجازات را علناً اجرا می‌کنیم آیا می‌توانیم تضمین بدهیم که او اصلاح شده است؟^۱

بدون شک تنها جامعه است که می‌تواند از سقوط مجدد و دائمی بزهکار جلوگیری کند لذا بازگشت دوباره مجرم به زندگی عادی نیازمند دقت و توجه فراوان در انتخاب مجازات‌ها و شیوه اجرای آن می‌باشد. انسانها در جامعه دارای حرمت، شخصیت و آبرو هستند از این نظر که انسانند، حفظ شوون و اعتبارات آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در یک جامعه سالم نباید به سادگی شخصیت افراد مورد حمله و صدمه قرار گیرد. آقای بولک می‌گوید: «اگر در زمانهای گذشته به اجرای بعضی مجازات‌ها در ملاء عام یا به نمایش گذاشتن محکوم در میدان‌های عمومی متوسل می‌شده‌اند، حقوق امروزی نیز ابایی از لطمه زدن به شهرت و مفتضح کردن مجرم ندارد. قانون جزای امروزی با اعلان و وسایل امروزی اطلاع رسانی که شامل چاپ از طریق درج در روزنامه‌ها و پخش از طریق رسانه‌های سمعی-بصری (رادیو-تلویزیون) می‌شود، متوسل می‌گردد».^۲ بسیاری بر این اعتقادند که چنانچه اجرای کیفر در ملاء عام صورت گیرد به شخصیت، حیثیت و اعتبار بزهکار لطمه وارد شده و نه تنها موجب بازگشت او بعنوان یک انسان صالح به جامعه نمی‌شود بلکه تجربه یکبار تحقیر و خواری او را برای ارتکاب جرایم بعدی جسور تر ساخته و در نتیجه وی دیگر واهمه‌ای از اجرای مجازات در علن ندارد، چرا که شخصیت و

۱. متن سخنرانی اولین نشست اجرای علنی کیفر، کوشا، جعفر، ص ۱۸.

۲. کیفرشناسی، بولک، برنا، ۱۳۷۷، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دوم، تهران، مجمع علمی، فرهنگی مجرد، ص ۷۴ و ۷۵.



پایگاه اجتماعی قبلی خود را از دست رفته تلقی می کند. برای کسی که شخصیتش در برابر انبوهی از مؤمنان پایمال شده، اجتماعی شدن و از سر گرفتن زندگی عادی در جامعه چندان آسان نیست. امیر المومنین (ع) نیز از اینکه جمع زیادی برای اجرای مراسم حد حاضر می شوند ابراز ناخرسندی می نمود^۱ حال اگر به عنوان مثال شخصی را که از احترام و منزلت اجتماعی خوبی در جامعه برخوردار است بعثت شرب خمر در میادین عمومی یا مراکز پر رفت و آمد محل سکونتش تازیانه بزنند به اعتبار و حیثیت او در میان اطرافیان و آشنایان لطمه وارد نخواهد شد و آیا دیگر می توان به اصلاح و باز پروری او امیدوار بود؟ با اجرای علنی کیفرها در جامعه عملاً به پاشیدن بذر کینه و حقد و انتقام در نهاد بزهکاران اقدام نموده و باعث به انحراف کشاندن آنان به سوی رفتارهای ناهنجار تر خواهیم شد، لذا باید اعتراف نمود که اجرای مجازات به صورت علنی و بودن استفاده از مطالعات روانشناسی و جامعه شناسی نه تنها ریشه بزهکاری را خشک نمی گرداند بلکه خود جرم آفرین خواهد بود. بدین جهت است که گفته شده، مجازات نباید واکنشی بد علیه بدی باشد، زیرا هم بی عدالتی است و هم جرم آفرین است^۲ چه بسا دیده شده که، برخی از مجرمین خود را بی گناه شمرده و جامعه را مسئول جرائم خود می شناسند، لذا مجازات را یک بی عدالتی در حق خود تلقی نموده، و پس از آن که در انتظار عموم خوار و خفیف شده و شرافت، حیثیت و اعتبار خود را از دست رفته می بینند، آتش کینه و انتقام در وجود آنها شعله ور شده، در نتیجه این امر ایشان را به سوی ارتکاب جرائم خشونت بار تر، تحریک می کند.

بند سوم: نقض اصل تساوی مجازات ها

طبق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری صوب ۷۸/۱/۱۲ و ماده ۷ آیین نامه نحوه ی اجرای احکام مجازات های اعدام، رجم به قطع عضو، صلب مصوب ۱۳۸۲/۷/۵، تصمیم گیری محل

۱. اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام (خلاصه پایان نامه ایشان)، نوبهار، رحیم، پائیز ۷۹، فصل

نامه مفید، سال ششم، ش ۲۳، ص ۱۵۶.

۲. مظلومان، رضا، جرم شناسی، ص ۴۱.



اجرای حکم اعدام و شلاق و اجرای احکام اعدام، صلب، قطع یا نقص عضو، به نظر دادگاه منوط گردیده در حالی که نظر قضات در خصوص اجرای مجازات علنی متفاوت است. بنابراین نظریات متفاوت قضات در خصوص اجرای علنی یا غیر علنی مجازات‌های اعدام، رجم و ... باعث گردیده مجرمی به صورت خفا در محیط زندان مجازات شده و مجرم دیگر با شرایط مساوی در ملاء عام و به طور علنی مجازات شود. این امر موجب تبعیض در اعمال مجازات‌ها گردیده و ممکن است مجرمی متحمل مجازات مضاعف گردد. همچنین اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیانگر این است که مجازات تنها بر بزهکار اعمال شود و سایر افراد حتی خانواده و بستگان بزهکار باید مصون از مجازات بمانند. برخی معتقدند که اجرای علنی کیفر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد، و آثار و تبعات اجرای علنی مجازات بر خانواده و بستگان محکوم نیز اعمال می‌گردد.^۱ چرا که موجب لکه دار شدن اعتبار و حیثیت خانوادگی اطرافیان بزهکار را فراهم آورده، دید اجتماع نسبت به آنها عوض شده و اینگونه طرز تلقی‌ها مشکلات فراوانی برای آنها ایجاد می‌نماید و چه بسا که این موضوع اعتدال روانی آنها را بر هم زده و آنها را به نوبه خود مأیوس و دشمن جامعه و در نتیجه تبه‌کار می‌سازد. یکی دیگر از جرم‌شناسان در این زمینه می‌گوید: «بیندیشید برای کسان او که برای ابد داغ ننگ بر پیشانی دارند، در میان خودخواهی‌ها و بی‌خبریها و خونخواری‌ها، بیندیشید بر خون ننگی که بر خانواده او پاشیده می‌شود و زایل شدنی نیست!»^۲

^۱. بهینه سازی اجرای آشکار حدود، نه‌ازی، غلامحسین، مجله امنیت، شماره ۲۳، ص ۲.

^۲. کیفر اعدام، همایونی، صادق، شهریور ۱۳۴۲، مجله حقوق امروز، ش ۶، سال اول، ص ۴۰.



نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت در فرض اجرای مجازات به صورت غیر علنی، فرد محکوم صرفاً آسیب بدنی متحمل شده است و حیثیت و موقعیت اجتماعی وی و خانواده اش کمتر در معرض آسیب قرار می گیرد، اما اجرای علنی مجازات، آبرو و حیثیت محکوم را نیز خدشه دار می کند. به موجب ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند. عده ای عدم رعایت مفاد ماده فوق را مغایر با اصل سی و نهم قانون اساسی دانسته اند. پس حکم ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری اصل را بر ممنوعیت اجرای علنی مجازات دانسته است. موارد استثناء: اجرای علنی مجازات در دو مورد مجاز است:

- الزام قانونی: اگر قانون صراحتاً اجرای علنی مجازات را الزامی کرده باشد.
 - تشخیص دادگاه یا دادستان: در صورتی که دادگاه یا دادستان به این نتیجه برسند که اجرای علنی مجازات به دلیل آثار و تبعات اجتماعی جرم، نحوه ارتكاب، سوابق مرتكب و بیم تکرار جرم توسط او یا دیگران، ضروری است.
 - تصریح در رأی: در صورتی که دادگاه اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد، باید این موضوع را در رأی خود به صراحت ذکر کند.
- لازم به ذکر است در رویه قضایی به موجب یک رأی کیفری طی دادنامه به شماره ۴۹۱-۱۳۷۱/۷/۸ که به تأیید شعبه بیستم دیوان عالی کشور نیز رسیده است، مجازات یکی از محکومان اجرای ۹۹ ضربه شلاق در یکی از مراکز پرجمعیت شهر بوده است. بر اساس نظریه



۱۸۴۷/۷_ ۱۳۷۴/۸/۱۰ دادگاه زمانی می‌تواند حکم به اجرای مجازات شلاق در ملاء عام دهد که قانون صراحتاً چنین اجازه ای داده باشد، چرا که مجازات شلاق در ملاء عام را باید مستلزم هتک حیثیت محکوم دانست و بدون مجوز قانونی جایز نیست.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- اصغری، شکر الله، ۱۳۷۲، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، چاپ دوم، تهران انتشارات کیهان.
- افراسیابی، محمد اسماعیل، ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی
- افرام، فواد، خرداد ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران نشر اسلامی.
- باهری، محمد، ۱۳۸۴، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، انتشارات مجد.
- بکاریا، سزار، بهار ۱۳۷۷، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ سوم، تهران نشر میزان.
- زراعت، عباس، ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات ققنوس.
- صانعی، پرویز، ۱۳۵۱، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، حدود و تعزیرات و قصاص، چاپ اول، نشر دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ دوم، نشر دانشگاه تهران.
- مارک آنسل، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر آشوری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ چهاردهم، انتشارات صدرا، جلد اول.



- مظلومان، رضا، ۱۳۴۶، جامعه شناسی کیفری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظلومان، رضا، ۱۳۵۳، جرم شناسی (کلیات)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

ب- منابع عربی

- حلّی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۱ ق، الاسرائر، جلد ۳، قم نشر اسلامی.
- حلّی، یوسف بن مطهر، ۱۴۹۶ ق، قواعد الاحکام، قم نشر موسسه اسلامی، ج ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، جوامع الجامع، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرجی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- طرابلسی، قاضی ابن براج، ۱۴۰۶ ق، المذهب، چاپ دوم، قم موسسه نشر الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۵۱، المبسوط، چاپ اول، قم مکتبه مرتضویه، ج ۸.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۳، النهایه فی مجرد الفتاوی، چاپ اول، نشر قدس.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ق، الخلاف، چاپ دوم، قم موسسه نشر اسلامی.
- کراجکی، محمد بن علی، (ب تا)، گنجینه معارف شیعه، تعلیقات محمد باقر کمره ای، چاپ دوم، انتشارات فردوس، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، فروغ کافی، قم دارالمکتب الاسلامیه، جلد ۷.
- لنکرانی، فاضل، ۱۳۶۸، استفتائات، چاپ چهارم، قم دارالقرآن الکریم، ج ۲.
- محقق حلّی، ابوالقاسیم نجم الدین، ۱۴۰۳ ق، شرایع الاسلام، چاپ دوم، بیروت دارالاضواء.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۸ ق، انوار الفقاهه، تعلیق ابراهیم بهادری، چاپ اول، قم مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی، (بی تا)، الحدود، چاپ سوم، قم دارالفکر.
- یوسفی، حسن بن علی ابن طالب، (فاضل آبی)، ۱۴۱۰ ق، کشف الرموز، چاپ اول، قم موسسه نشر الاسلامی



لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژنوتر ها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اگانت اینتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
Ghanonyar@YAHOO.COM

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران
 تحت پوشش بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵